

خطبه‌های نماز جمعه ۱۸ تیر ۱۴۰۰

خطبه نخست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما مسافریم!

طبق روال گذشته دعوت به تقوا را با روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم عرض می‌کنم:

«أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْخَفِيُّ» [بحار الأنوار: ۱۱۱/۶۷]

«آگاه باشید! بهترین بندگان خدا تقوایبش پاکیزه گم‌نام است که کارهایش را در نهان انجام می‌دهد.»

خدای سبحان می‌فرماید: ما مسافر هستیم:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» [انشقاق: ۶]

«ای انسان! تو در تلاشی فرساینده به سوی پروردگارت روانه‌ای؛ و به دیدار او خواهی رسید.»

ما به سوی خدا در حال سفر هستیم و از این سفر هم چاره‌ای نیست، اولیاء خدا، خودشان با میل و برنامه می‌روند و چه بسیاری را می‌برند. پس اصل سفر حتمی است و از آن گریزی نیست. اما سفر و

مسافر و مسافرت بدون توشه نمی‌شود. اما توشه این سفر پرمخاطره چیست؟

تقوا توشه سفر

قرآن می‌فرماید: تنها توشه‌ای که ما را در این سفر بکار می‌آید و یاری می‌کند، تقواست:

«تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ» [بقره: ۱۹۷]

می‌فرماید: برای سفر خود توشه بگیرید، و توشه‌ای که خیر شما را تأمین می‌کند، و در سفر یاری

می‌رساند، تقواست.

به این آیه شریفه توجه بفرمایید:

«لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ» [حج: ۳۷]

«گوشت‌های قربانیان به خدا نرسد، و خون‌های قربانیان هم به خدا نرسد، لیکن تقوای شما به او

رسد.»

در قربانی گوسفند و شتر و امثال آن، گوشت و خون قربانی به خدا نمی‌رسد، بلکه تقوای شما به خدا می‌رسد. این فقط مخصوص قربانی نیست، بلکه هر عملی که انجام می‌دهیم، این عمل ظاهری دارد، برای مثال از خانه بیرون آمدید و الان در مصلی هستیم، و باطنی دارد که آن حقیقت عمل است که اگر برای خدا باشد، پایه عمل تقواست و تقوای ما به خدا می‌رسد، وقتی تقوای ما به خدا رسید، متقی - یعنی کسی که عمل از او با پیشه تقوا صادر شد - هم به خدا می‌رسد.

توجه هم دارید: از آیه «ینال» استفاده می‌فرماید، «ینال» یعنی رسیدن. مسافر باید برود تا برسد. ظاهر عمل ما را به خدا نمی‌رساند، بلکه تقوای که در باطن عمل است، به خدا می‌رسد. و تقوا و صف جان ماست، پس وقتی تقوا رسید، متقی هم می‌رسد.

پس این که ما به نماز گزار می‌گوییم: قبول باشد، تعبیر درستی نیست؛ بلکه خود ما باید قبول شویم. خدا ما را قبول کند: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» [آل عمران: ۳۷] «پس پروردگارش او را به نیکی‌جویی پذیرفت» و آن فقط با تقواست: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» [مائده: ۲۷]

تحلیل روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

حالا با این مقدمه روایت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم را ملاحظه فرمایید:

«أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْخَفِيُّ»

«آگاه باشید، بهترین بندگان خدا، فردی تقوایش، پاکیزه‌ای است که کارهای خود را پنهانی انجام

می‌دهد»

یعنی وقتی بنده ملاحظه خدا را می‌کند و می‌داند که مسافرت است و باید توشه سفر به سوی خدا را با خود بردارد و توشه سفر هم کارهای با سروصدا و نمایش و تبلیغات نیست، بلکه کاری است که پاک باشد و از تقوا صادر شده باشد. او بنده خوبی است و دارای خیر است. او خودش را با تقوا به خدا می‌رساند.

چنين بنده‌ای بهترين بندگان خداست، زيرا اين گونه نيست که او را در اين سفر ببرند و دست خالی به محضر خدای سبحان وارد شود، بلکه خودش می‌رود و با تقوا خودش را را به خدا می‌رساند. چقدر تقوا اهمیت دارد؟

خطبة دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت امام جواد سلام الله عليه

یکشنبه مصادف ۳۰ ذی‌القعده شهادت امام جواد الائمه سلام الله عليه است. یک نکته مهم این‌که این امام عزیز ما، در ۲۵ سالگی به شهادت می‌رسد؛ یعنی دستگاه جبار زمان نتوانست بیش از این تحمل ایشان را بکند و مجبور شد که آن حضرت را به شهادت برساند. جا دارد از خودمان سوال کنیم، چرا؟

شخصیت امام جواد سلام الله عليه به ما پاسخ می‌دهد؛ ایشان چنان با دستگاه طاغوت مبارزه کرد، و برای برپایی قرآن قیام کرد که بنی‌عباس تحمل نتوانست بکند. عظمتی که آن حضرت در خردسالی و نوجوانی پیدا کرده بود که مأمون هم تسلیم ایشان بود، و همه دانشمندان و صاحب‌نظران هم در مقابل ایشان خاشع شدند، هم‌چنین ابتکاری که آن حضرت در بحث آزاد اجتماعی و آزاداندیشی راه انداختند، الگوی خوبی برای ماست. این درس و الگو چیست؟

وقتی در شرایط سخت و خطیر قرار دارید، باید تلاش کنید تا هوشیاری مردم را برپانگیزید. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که حيله‌گری و ریاکاری و نفاق در آن موج می‌زند، جهانی که حقیقت آن جاهلیت است، اما خودش را خوب بلکه عالی نشان می‌دهد و مردم را این‌گونه می‌فریبد و برگرده آنان سوار می‌شود. امام جواد علیه السلام با آن قداست و علمی که داشتند، می‌توانستند گوشه‌عبادتی را اختیار کنند و در چشم حاکمان و دانشمندان و مردم عزیز باشند، اما راه سخت را انتخاب کردند و مردم را نسبت به وظایف خودشان آگاه کردند که شما مردم تکلیف بردوش‌تان است و حق ندارید بی‌تفاوت باشید و باید در امور دین خودتان مشارکت کنید.

مشارکت عمومی و عدالت

بنده بنا دارم که به مناسبت کار بزرگ حضرت امام جواد سلام الله عليه یک تذکر مهمی به خودم و شما بدهم، و آن در وظیفه همگانی ما در مشارکت عمومی در سرنوشت خودمان است. مطلب را در دو بند خلاصه می‌کنم:

مشارکت عمومی محور بیانیه گام دوم

۱. محور اصلی بیانیه گام دوم؛ مشارکت مردم در امور خودشان است، یعنی این‌که همه ما موظف هستیم «صیرورت جمعی» داشته باشیم و در همه صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در صحنه باشیم و از حوزه عمومی به هیچ‌وجه کنار نباشیم. انتخابات یک نمونه حدقلی از مشارکت عمومی مردم است، یعنی حد واقعی مشارکت نیست. به جای این‌که نظام بروکراسی و نظام کارشناسی در امور عمومی حضور داشته باشد، مردم باید در اداره کشور و دنبال کردن آرمان‌ها حضور جدی و تأثیرگذار داشته باشند. چرا؟ زیرا مشروعیت نظام به مشارکت مردم است.

تفاوت نظام ما که مردم‌سالاری دینی است با نظام‌های مردم‌سالاری غربی در این است که مردم در نظام اسلامی از جانب خدای تعالی اعمال حاکمیت می‌کنند، به این دلیل حضور آنان به منزله تکلیف و وظیفه شرعی است. اما موانع موانع چیست؟ و چالش‌ها کدام است؟ در بند پنجم عرض خواهم کرد.

عدالت توزیع قدرت

۲. عدالت توزیع ثروت نیست، آن‌هم توزیع صدقه‌ای ثروت نیست؛ بلکه توزیع قدرت است؛ یعنی مردم صدقه‌خور دولت نیستند تا به آنان لطف کند و صدقه بدهد، بلکه عدالت یعنی توزیع قدرت و برابری در فرصت‌ها. به این دلیل عدالت مقوله و امر عمومی است که با مشارکت عمومی مردم حاصل می‌شود و بدون حضور عمومی مردم، عدالت حاصل نخواهد شد.

اما بین مسأله «می‌تواند» با «باید بتواند»، و «می‌شود» و «باید بشود»، فاصله معنی‌داری است و این مسأله ماست؛ چه نقاطی باید اصلاح شود تا این فاصله برداشته باشد؟

ما در زمان انقلاب اسلامی الگوی خوبی داریم که مردم در همه امور مربوط به خودشان حضور داشتند، یا در اوایل کرونا که یک موقعیت استثنایی بود، مردم حضور و مشارکت بسیار بالایی در کمک مومنانه و انفاق و حق مشکلات داشتند. به عبارت دیگر مردم، خودشان را در صحنه می‌دیدند و با این حضور، برای رفع

مشکلات اقدام کردند، و اگر دولت آنان را از صحنه کنار نمی گذاشت، به احتمال بسیار الان مشکل کرونا حل شده بود و ما الان جشن برداشتن ماسک را می گرفتیم نه این که منتظر موج پنجم حمله کرونا بودیم.

عدالت و مشارکت و قیام

۳. پس عدالت یعنی توزیع قدرت؛ نه صرفاً توزیع ثروت و رفع فقر.. بلکه عدالت یعنی همه مردم در قدرت حضور و مشارکت دارند و این مشارکت هم مشروعیت خود را از خدای تعالی گرفته است و مردم از جانب خدای سبحان ذی حق هستند تا دین خدا را بر روی زمین اعمال کنند.

پس حقیقت مشارکت مردم، صرف حق الناس نیست که از حق خود بگذرند، بلکه حق الله است و حق ندارند، از آن صرف نظر کنند. به تعبیر دیگر اول تکلیف است و آن گاه حق. بنابراین عدالت با شایسته سالاری عجین است.

تلقی درست از عدالت

۴. اما سه تلقی از عدالت می توان داشت:

[۱] مردم مخاطب عدالت هستند؛ [۲] مردم باید عدالت خواه باشند؛ [۳] مردم قیام به عدالت می کنند. از نظر قرآن گزینه سوم درست است: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» [حدید: ۲۵] مردم باید برای تحقق عدالت قیام کنند و این یعنی مشارکت مردم در تحقق عدالت.

بنابراین اگر تحقق عدالت آرمان اصلی انقلاب اسلامی است، راه آن جلب مشارکت مردم در تحقق عدالت است. و برای این امر مردم باید اولاً مشکلات را ببینند و بشناسند، مردم نباید کنار باشند. این تهدید نیست، بلکه فرصت است و موجب افزایش امید است نه ناامیدی.

ثانیاً مردم با دیدن مشکلات، در موقعیت فعال بودن نه منفعل بودن قرار بگیرند و فعالانه در حل مشکل شرکت کنند، مثال آن را در اوایل انقلاب و در شروع قضیه کرونا دیدیم.

اما مشارکت موجب امید و رضایت حداکثری مردم می شود، زیرا آنان با دیدن مشکلات، موقعیت فعال بودن قرار می گیرند و خودشان آستین ها را برای حل مشکلات بالا می زنند. مردم وقتی دیدند مشکلات جامعه به همه مردم برمی گردد، درمی یابند که راه حل هم درون خودشان است و به دنبال پیدا کردن راه حل می روند. نه منتظر بیرون می مانند که دستی از خارج از کشور برای آنان تصمیم بگیرند و برای مثال تحریم ها را بردارد، نه در داخل دنبال قهرمان هستند که قهرمانی بیاید و مشکلات را حل کند. بلکه خودشان آستین ها را بالا می زنند.

هنر آقای رئیسی

هنر اصلی آقای رئیسی در دوره جدید باید این باشد که مردم را به صحنه بیاورد و به مشارکت برای برقراری عدالت فراخواند، نه این که در جایگاه قهرمان قرار بگیرد که در این صورت؛ خدای ناکرده شکست قطعی است و از ضدتبلیغ‌هایی که این روزها انجام می‌شود، کاملاً این خط مشهود است تا خیال مردم را راحت کند و این تصور برای آنان به وجود آورد که همه مشکلات با آقای رئیسی حل خواهد شد و آن‌گاه که نشد که طبعاً یک نفر نخواهد نتوانست، سیل ناامیدی را بر سر مردم بریزد و نظام را ناکارآمد معرفی کنند.

بنابراین تلاش برای تحقق عدالت، به معنای تلاش برای مشارکت عمومی در تحقق آن است و این مشارکت در قیام بالقسط و قیام لله امکان‌پذیر است. همه ما باید بدانیم که عدالت حقی نیست که در دامن ما بگذارند، بلکه عدالت تکلیف همگانی ماست، و حقی است که باید آن را با قدرت بگیریم و اجازه ندهیم از دست ما در بیاورند.

۵. پیوند این سخنان را با سیره ائمه اطهار علیهم السلام و الگوی امام جواد علیه السلام این‌جاست که امام علیه السلام با گسترش شبکه وکالت در سراسر جهان اسلام و با طرح آزاداندیشانه مباحث پایه‌ای در مرکز حکومت عباسی، مردم را به قیام دعوت کرد. و پاسخ مسأله ما که در بند اول عرض کردم که چالش و مشکل کجاست؟ در همین مفهوم قیام است.

قیام یعنی خوداتکا و خودکفابودن، و با عزم و تصمیم فعالانه برخاستن است. و قیام بالقسط یعنی همه مردم با عزم و اراده فعال برای تحقق عدالت اجتماعی برخیزند و در این جهت هم خوداتکا هستند و نیازی به دستور از بیرون ندارند و نباید منتظر امکانات یا دستور و هماهنگی دولت و غیر آن باشند،^۱ بلکه باید برای خدا - فردی یا جمعی بپاخیزند. و این اتفاقاً مبنای مکتب امام بزرگوار ماست که از سیره ائمه اطهار و امام جواد سلام الله علیهم الگو گرفته است.

پس در نظام اسلامی، هر فردی به بخودی خود موضوعیت و تکلیف دارد. و همه ما موظف به قیام و عدالت اجتماعی هستیم و این یعنی توزیع قدرت. و باید حرکت کنیم و در مسائل نظام مشارکت داشته باشیم. اول باید باور به این حرکت داشته باشیم و آن‌گاه مومنانه و خوداتکا قیام کنیم، باز عرض می‌کنم که موقعیت کرونا در اوایل خودش الگوی خوبی از مشارکت عمومی و فعال است.

جهاد دولت آینده

بنابراین یعنی از حرکت جهاد و اصلی آقای رئیسی، کوچک کردن دولت است، ما نباید دولت بزرگ داشته باشیم، و دولت حق ندارد، در موقعیت مشارکت مردم دخالت کند و این نوعی و استکبار و استعمار است که عقلانیت را از مردم می گیرد که آنان صرفاً تماشاگر باشند و منتظر لطف دولت بمانند. با این نگاه است که رویکرد یارانه دادن و امثال آن اصل می شود، اما ما به با نظام استکبار نقد داریم باید نسبت به استکبار دولت نسبت به ملت هم نقد داشته باشیم.

این کار اصلی آقای رئیسی و دولت بعدی است که مردم را بازی گری اصلی مسائل خودشان بکند و قدرت را در اختیار مردم بگذارد تا مردم با مشارکت خود مشکلات را حل کنند و این در بیانیه گام دوم هم بخوبی تشریح شده است. آیا دولت آینده به فکر این مطلب است؟ و آیا در این امر موفق می شود؟ ما نظاره گر هستیم و بخواست خدای سبحان مطالبه خواهیم کرد.

پی نوشت ها

^۱ «علی انتصاب أو عزم» [مقایس اللغه؛ ج: ۵؛ ص: ۴۳]
قیام به معنای برخاستن و بلندشدن یا عزم و تصمیم فعالانه است.
«أن الأصل الواحد في المادة: هو ما يقابل القعود، أي الانتصاب و فعلية العمل، مادياً أو معنوياً.
و هذا المعنى يختلف باختلاف الموضوعات، في موضوع خارجي، أو عمل، أو أمر معنوي، فالانتصاب و الفعلية في كل منها بحسبه».
[التحقيق في كلمات القرآن الكريم؛ ج: ۹؛ ص: ۳۴۱]
خودکفا یعنی به دیگری نیاز نداشته باشد، [فرهنگ ابجدی؛ ص: ۶۷۶]